



تذکر قانون اساسی نماینده مریوان و سروآباد

“ولاتی بهفر و گوئز”



ژینگه پاریزی له
“کوره دهره”

وظایف شهروندی بازاریان بانه و مریوان!

۵

۷

ویژه نامه “شهر و بند و محیط زیست”

سخن آغازین

به نام آفریننده طبیعت و زیبایی

شهروندی، از کهن ترین مفاهیم سیاسی-اجتماعی، برگرفته از واژه سیویتاس (civitas) است که به افراد صاحب حقوق سیاسی و ساکن در دولت شهر اطلاق می گردید. به باور برخی از کارشناسان، شهرنشینان هنگامی که به حقوق همدیگر احترام گذاشته و به مسئولیت های خویش در قبال شهر و جامعه عمل نمایند، به شهروند ارتقا می یابند. طبق این تعریف به هر شهروندی، مجموعه ای از حقوق تحت نام حقوق شهروندی تعلق می گیرد که در مقابل این حقوق مقوله ای به نام وظایف شهروندی مطرح می شود. حال اگر ما خود را با این تعریف تطبیق دهیم، آیا در ردیف شهرنشینان قرار می گیریم یا شهروندان؟ وقتی به جوامع پیشرفته نگاهی می اندازیم متوجه می شویم که مهمترین عامل پیشرفت این جوامع وجود شهروندی است که در برابر سایرین و محیط زیست و... احساس مسئولیت می کنند. در واقع هیچ کس نمی تواند نقش شهروندان را در پیشرفت و تکامل جامعه انکار کند. حال آن که وقتی بعضی از رفتار های خود را در برابر محیط زیست بررسی می کنیم، آنچه به چشم می خورد، مجموعه ای از رفتارهای ضد شهروندی است. وقتی شهروندی در مقابل سوختن جنگل یا در مقابل تخریب، ساخت و ساز غیر مجاز و... بی تفاوت باشد حاصل این مجموعه رفتار، شهری است با محله هایی به دور از اصول شهرسازی که بصورت قارچی با کمترین امکانات بوجود آمده اند. شهری که سرانه فضای سبز در آن کمتر از نیم متر، شهری که روند تخریب محیط زیست در آن روز به روز در حال افزایش است. شهری که تراکم دست فروشان گاه گاه خیابان را مسدود می کند و... بخش عمده ای از این مشکلات به تعامل شهرنشینان با محیط زیست بر می گردد. در واقع در شهری که شهرنشینان به حفظ محیط زیست باور و التزام دارند این باور و عمل پایه ای برای عملی نمودن سایر رفتارهای شهروندی می شود و این مردم از شهرنشین گذر کرده و به شهروند تبدیل می شوند.

موضوع شماره آینده ویژه نامه چیا: “آغاز سومین سال انتشار چیا” می باشد. لذا از علاقمندان خواهشمندیم که مقالات و نظرات خود را در این زمینه به دفتر نشر به ارسال نمایند.

چشمه‌ی زندگانی در خطر نابودی!!

ماجد مردوخ روحانی

خارجیان خواهد شد و روحیه جمعی و اقتصاد آن مردم فقیر را تا چه اندازه متحول خواهد کرد؟

اما چاره‌ی سدّ داریان هم چندان ناچار نیست. نخست یادآوری کنم که در همین ده - بیست سال اخیر کم نبوده‌اند پروژه‌هایی که ابتدا زمان بسیار و هزینه‌های نجومی صرفشان شده‌است و سپس تصحیح و یا حتی متوقف شده‌اند؛ از جمله در همین کار آبرسانی و سدسازی، بشماریم: احداث تونل‌های دسترسی و ورودی طرح انتقال آب رودخانه‌ی دز، به قُم رود؛ که پس از حدود ۲۰ میلیارد تومان هزینه، با تغییر مسیر تونل، این تونل‌ها نیمه کاره و بلااستفاده رها شدند.

طرح کارون ۴، انحراف رودخانه‌ی مَنج وسیله کانال، که پس از ۱۲ میلیارد تومان هزینه، پروژه‌ی احداث کانال جای خود را به حفر تونل داد.

کاهش ارتفاع سدّ آستور میانه، با پرداخت ۲۳ میلیارد تومان خسارت به پیمانکار.

سد شورک در خراسان شمالی، با ۱۲ میلیارد هزینه؛ که پس از ۵ سال هیچ آبی پشت آن جمع نشد و با هزینه‌ای در همین حدود، آب از جای دیگر آوردند! و...

راه حل مشکل سدّ داریان، تغییر مکان سدّ است به پایین تر و یا بالاتر؛ جایی که اولاً لطمه‌ای به چشمه‌ی «بل» وارد نکند و در ثانی اگر روزگاری بخواهد کاری شایسته در آنجا انجام گیرد و مجتمعی برپا گردد، آب و تاسیسات سدّ مانع آن نشود.

کوتاه سخن آنکه: بنده تصور می کنم در نهایت، مردم جلو این فاجعه را خواهند گرفت؛ پس چه بهتر هم اکنون، پیش از بروز انواع مشکلات و بار آمدن همه گونه خسارات، علاج واقعه کنیم.

* اطلاعات فنی در باره‌ی ویژگی‌های آب چشمه‌ی «بل»، طبق گزارشات فنی وزارت نیرو:

۱- کمیت آب: دبی متوسط، ۵ متر مکعب در ثانیه، با آورد سالانه بالغ بر صد و پنجاه میلیون متر مکعب؛ یعنی دو برابر و نیم نیاز آبی کرمانشاه و بیش از سه برابر نیاز آبی سنندج. گفتنی است که برای اجرای تصفیه‌خانه‌ی آب کرمانشاه، تاسیساتی حدوداً ۲۰ میلیارد تومانی لازم است. در حالی که آب چشمه‌ی «بل» نیاز به چنین تصفیه‌خانه‌ای ندارد.

۲- کیفیت آب: کلاس آب در طبقه بندی ویلکوکس، C۱ S۱ و در طبقه بندی شولر، Perfect (بسیار عالی) است. یون CI آب چشمه‌ی «بل»، برابر ۴ P.P.M. و مقدار نیترات آن: ۰.۳ mgr/lit، با هدایت الکتریکی ۱۶۰ میکروزیمنس؛ یعنی جزء بهترین آب‌های شرب دنیا.

فرازی از رشته کوه زاگرس، ناحیه‌ای است که «اورامان» نام دارد؛ با طبیعتی چشم‌نواز و کوه‌هایی بلند و سرکش، که به تعبیر شاعر بزرگ گُرد (گوران)، آسمان لاجوردی را در آغوش کشیده‌اند این کوه‌های وحشی و مغرور را شاهو می گویند و برفچال‌های پاکش راه همه‌ی زاگروس نشینان و همسایگانشان می‌شناسند.

در جایی از اوج این زیبایی‌ها، چشمه‌ای چنان می‌جوشد که بیننده را در لحظات نخست، به سکوت حیرت وامی‌دارد. رودی پس بزرگ که دل کوه را شکافته و با غرشی پُر آبُت، بیرون می‌زند؛ آبش، در لیست خوشگوارترین و پاک‌ترین آب‌های جهان: چشمه‌ی «بل».

قدیمی ترها می‌گویند: این آب فرشته‌ای دارد که تشنگان و رهگذرانی را که از آن می‌نوشند، تندرستی و نوع دوستی می بخشد. عجباً که چند صد متر بالاتر از این چشمه، در روستایی به غایت زیبا به نام «هَجیج»، بار گاهیست، زیارتگاه شیعه و سنی! زائران، نخست در چشمه‌ی خروشان «بل»، سر و صورتی می‌شویند و آبی می‌نوشند؛ سپس به «هَجیج» می‌روند و فارغ از این دنیای پر آشوب، یکی از روح‌نوازترین صحنه‌های دوستی و یکدلی را به نمایش می‌گذارند. این همه، موجب شده‌است که مردم، «بل» را چشمه‌ی زندگانی و آبش راه، که سیر خوردن ندارد، آب مهربانی بنامند.

و اینک خبری تکان دهنده با احداث سدّی بر روی رودخانه‌ی «سیروان»، چشمه‌ی «بل» غرق می‌شود! راستی چرا؟ آیا برنامه‌ریزان و طراحان پروژه، این منبع سرشار برکت را ندیده‌اند و حس و حال مردم آن سامان و دور و برش تا دوردست‌ها را، نسبت به آن نمی‌دانند! یا نه، از کارش بی‌اعتنا گذشته‌اند؟ درست است که تاکنون توانسته‌ایم از این سخاوت بی دریغ خلقت و ویژگی منحصر بفرد طبیعت در آن سامان، چنان که شایسته است، بهره‌مند شویم؛ اما این غایت ناسیاسی نیست که به‌جای برنامه‌ریزی در جهت جبران مافات، تصمیم به امحای آن بگیریم؟ به‌علاوه، اگر ما کفایت لازم برای استفاده از این نعمت را نداریم، چگونه به خود اجازه می‌دهیم که نسل‌های آینده را هم محروم کنیم؟

شاید اگر بنشینیم و محاسبه کنیم که برای احداث جاده‌ی مناسب، امکانات کافی اقامتی و تفریحی چه مقدار هزینه لازم است و با بودجه‌ای که به احداث سدّ داریان اختصاص یافته است، در قیاس بگذاریم، به این نتیجه برسیم که با هزینه‌ی به مراتب کمتر، بهره‌وری بیشتری خواهیم داشت. دستکاری طبیعت و تخریب زیست محیطی هم به جای خود. آیا تا کنون در این نکته اندیشه کرده‌ایم که با قدری همت، بهشت طبیعی دل زاگرس، چه تفریحگاه ارزنده‌ای برای همه‌ی مردم، از جمله



جنگل‌های مریوان و سروآباد

همچنان در آتش می سوزد

آمار آتش سوزی جنگل‌های مریوان و سروآباد از مرز ۳۶۰ مورد گذشت. این در حالی است که اعضای کمیته بحران انجمن سبز چیا در اکثر این آتش سوزی‌ها در محل حاضر و به همراه سایر دوستداران طبیعت آتش را کنترل نموده‌اند. ادامه آمار آتش سوزی ها، با ذکر تاریخ و نام محل در صفحه ضمیمه این شماره چیا آمده است.

تذکر قانون اساسی یک نماینده

اقبال محمدی در اخطار قانون اساسی، خواستار مهار و شناسایی عوامل آتش سوزی جنگل‌های زاگرس شد. و گفت: مسئولان برای مهار آتش سوزی جنگل زاگرس چاره‌ای بیندیشند.

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری فارس، اقبال محمدی نماینده مریوان و سروآباد در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی با استناد به اصل ۵۰ قانون اساسی اظهار داشت: در جمهوری اسلامی ایران حفاظت از محیط زیست وظیفه عمومی تلقی می‌شود.

وی با بیان اینکه در ایران سرانه جنگل برای هر نفر ۲ هکتار است افزود: وجود جنگل‌های سرسبز زاگرس یک موهبت الهی برای ما است که باید در حفظ آن بکوشیم، اما متأسفانه اخیراً بیش از ۳۵۰ مورد آتش سوزی در این مناطق رخ داده است که خسارات زیادی را به این جنگل‌ها وارد کرده است. نماینده مریوان در پایان گفت: از رئیس جمهور و رئیس سازمان محیط زیست همچنین وزیر جهاد کشاورزی می‌خواهم که در قالب تشکیل ستاد بحران عامل این آتش سوزی را شناسایی و راه کارهایی برای مهار آن پیدا کنند.

زخمی دیگر بر پیکر پریشان تالاب

زریبار

به گزارش کمیته تخصصی نازین انجمن سبز چیا، در اقدامی ناپسندیده و غیر مسئولانه، حجمی از خاک در کنار درب ورودی تالاب تخلیه شده است. این خاک که به منظور ساخت و ساز در کنار هتل زریبار برداشته شده، در اواسط هفته دوم شهریور ۸۹ به داخل تالاب ریخته می‌شود به صورتی که گویا خواسته شده پیاده رو را عریض تر نمایند. با توجه به پیگیری‌های کمیته نازین

و مراجعه به رئیس محیط زیست شهرستان مریوان، افراد خاطی اعلام داشته‌اند که در اسرع وقت این معضل را برطرف نموده و تمامی خاک تخلیه شده را بیرون می‌کشند. هر چند که با خارج نمودن این خاک سیمای این زخم بر پیکر زریبار پاک نخواهد شد اما با این وصف نیز تا تاریخ ۸۹/۶/۲۵، یعنی گذشت قریب به ۱۸ روز از وقوع این حادثه هنوز تمام خاک تخلیه نشده و قسمتی از آن هنوز در محل قرار دارد.

تلاش شما را ارج می‌نهیم

مسئول اداره حفاظت از محیط زیست شهرستان مریوان آقای معروف قادری به همراه سایر کارمندان این اداره بارها به همراه اعضای انجمن سبز چیا در کنترل آتش سوزی جنگل‌های منطقه بویژه کوهستان‌های شاهو و کوسالان حضور داشته‌اند. بدین وسیله مراتب قدردانی و تشکر این انجمن به جهت این حضور و احساس مسئولیت و پیگیری مسایل و مشکلات زیست محیطی منطقه اعلام می‌گردد.

تشکر از فرماندهی هنگ مرزی

در پی ممانعت واحد مرزی ناجای باشماخ از ورود اعضای انجمن سبز چیا در چندین مورد به محدوده مرز و خاموش نمودن آتش سوزی بافت جنگلی، مدیر عامل انجمن از طریق نماینده محترم مجلس با سرهنگ مهدی دخت فرمانده محترم هنگ مرزی مریوان تماس گرفت که با هماهنگی ایشان مشکل ورود اعضای انجمن به محدوده مرزی جهت اطفای حریق مرتفع گردید. بدینوسیله مدیر عامل انجمن سبز چیا مراتب تشکر خود را از این اقدام مسئولانه ابراز می‌دارد.

طلب حلالیت از طبیعت

به گزارش کمیته بحران انجمن سبز چیا جنگل‌های مریوان و سروآباد در روز ۸۹/۶/۱۹ مصادف با عید سعید فطر در ۱۱ نقطه دچار آتش سوزی شده بودند. این آتش سوزی‌ها در حالی صورت گرفته است که اعضای انجمن خود را برای برپایی عید سعید فطر آماده کرده بودند. به گفته اعضای حاضر در آتش سوزی‌ها، آنان در این عید مبارک از تمامی درختان، مراتع و جاندارانی که طی این چند ماه نتوانسته بودند از آتش نجاتشان دهند طلب حلالیت کرده و با خود و خدای خود عهد بسته‌اند که تا لحظات آخر یاور آن بی‌یاورانی باشند که

دست دشمنان طبیعت حتی در اعیاد نیز به آنان رحم نکرده است. لازم به ذکر است اعضای انجمن در چندین اکیپ و در نقاط مختلف به جنگ این آتش رفته و خوشبختانه توانستند در اسرع وقت آن‌ها را مهار کنند.

با زهم فاجعه‌ای زیست محیطی

در پی خبری که از طرف اهالی طبیعت دوست اورامان به این انجمن رسید مطلع شدیم که در یک اقدام وحشیانه در ماه مبارک رمضان، عده‌ای از افراد سودجو اقدام به شکار سه راس کل و بز از گونه‌های در حال انقراض این دیار نموده‌اند. به گفته منابع آگاه، دو راس از این کل و بزها در روبروی روستای سرپیر و یک راس دیگر نیز در پشت روستای ویسیان شکار شده است. این اولین باری نیست که دشمنان طبیعت کمر به نابودی این گونه‌های کمیاب حیات وحش می‌بندند و ما نیز از مسئولان خواستار رسیدگی جدی می‌باشیم.

اطلاعیه جهاد کشاورزی

روز شنبه مورخ ۸۹/۶/۲۶ نامه‌ای از طرف مدیریت محترم جهاد کشاورزی مریوان در رابطه با سوزاندن بقایای گیاهی (سوتاندنی جار) به دفتر انجمن رسید که محتوی آن بدین صورت می‌باشد:

با توجه به این که در دو سال اخیر متأسفانه تعدادی از کشاورزان نسبت به آتش زدن بقایای محصولات زراعی خود اقدام می‌نمایند و با توجه به مضرات عدیده‌ای که برای اراضی کشاورزی و محیط زیست نظیر: ۱- از بین رفتن موجودات مفید و حاصلخیز خاک ۲- کاهش حفظ رطوبت خاک ۳- بهم خوردن ساختمان خاک ۴- سفت شدن لایه‌های سطحی خاک ۵- آلودگی هوا ۶- فرسایش آبی و بادی خاک می‌گردد. لذا مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان مریوان اعلام می‌نماید که هر کشاورزی که نسبت به آتش زدن بقایای گیاهی اراضی در مزارع اقدام نماید از کلیه نهاده‌های کشاورزی محروم خواهد شد.

جناب آقای مندمی

مدیر محترم اداره محیط زیست سروآباد

مراتب همدردی و تسلیت اعضا و هیئت مدیره انجمن سبز چیا مریوان را ابراز داشته؛ صبر و شکیبایی و رحمت را برای شما و خانواده صابرتان از باریتعالی مسئلت می‌نمایم.



آتش سوزی در جنگل‌های هورامان؛ چه کسی مسوول است!؟

مدیریت استراتژیک آتش پاسخگو باشد

فروزان رسولی - پاوه

هنگامی که دور اول آتش سوزی‌ها شروع شد، دقیقاً همزمان بود با آغاز هفته محیط زیست؛ در همان زمان هم از اداره‌های منابع طبیعی، محیط زیست و سایر ادارات مربوطه خواستیم تا با توجه به اهمیت موضوع و حفظ منابع طبیعی و حیات وحش منطقه تلاش نمایند و ضمن جلوگیری از آتش سوزی‌ها، مشارکت شهروندان را برای جلوگیری از رویدادهای اینچنینی در آینده جلب نمایند.

از ۱۵ خرداد تاکنون اما همچنان جنگل‌های منطقه در آتش می‌سوزند. اگر چه این آتش سوزی‌ها تنها مربوط به منطقه هورامان نیست و به عنوان مثال آتش سوزی در جنگل‌های گیلان غرب هم روی داده، اما باید اذعان داشت که جنگل‌های غرب کشور از نوع جنگل‌های تنک هستند و امکان تجدید شدنشان بسیار سخت است.

از سوی دیگر بنا به اعتقاد کارشناسان «آتش سوزی در جنگل‌ها، هزاران هکتار از درختان، درختچه‌ها و گیاهان را طعمه خود می‌سازد. حریق‌های مهیب علاوه بر خسارات اقتصادی، آلودگی‌های زیست محیطی را نیز به دنبال دارند. هرچند گفته می‌شود آتش در جنگل‌ها اجتناب‌ناپذیر است و منافعی را نیز به همراه دارد؛ ولی تنها مدیریت استراتژیک آتش می‌تواند مفید و یا مضر بودن آن را تعیین نماید. یک رژیم آتش سوزی توسط عناوینی همچون نوع، شدت، مدت، اندازه، قدرت و فصل آتش سوزی تقسیم‌بندی و مشخص می‌شود. انواع آتش با توجه به سطح آن به زیرزمینی، سطحی، تپه‌ای و تاجی طبقه‌بندی می‌شوند.

فاصله بازگشت آتش از طریق محاسبه میانگین دوره‌های آتش سوزی‌های موفق انجام می‌گیرد. شعله را بر حسب متر و در قسمت جلویی آتش اندازه‌گیری می‌کنند. آتش‌های غیرمخرب، شامل آتش‌های سطحی مداوم و غیر مداوم، آتش‌های جایگزینی شامل آتش‌های تاجی کوتاه مدت و بلند مدت و آتش‌های متغیر و مختلط، سه رژیم اصلی آتش سوزی محسوب می‌شوند. تداوم، شدت، و گسترش

آتش سوزی اندازه‌های متفاوتی دارد. این پارامترها اصولاً توسط اقلیم، میزان انباشت ضایعات، اشتعال پذیری سوخت‌ها، آب موجود در خاک و توپوگرافی منطقه کنترل می‌شود. اثرات مستقیم آتش بر کیفیت رویشگاه از دو منبع اصلی سوختن مواد آلی و گرم شدن لایه‌های سطحی خاک سرچشمه می‌گیرند. سوختن مواد آلی منجر به آزاد کردن دی‌اکسید کربن، گازهای نیتروژن و ته نشینی مواد معدنی به شکل خاکستر می‌شود. بنابراین اثر مستقیم آتش باعث افزایش مواد معدنی شده و اسیدیته خاک را کاهش می‌دهد. در نتیجه ذخیره کلی نیتروژن نیز کاهش یافته و شرایط رطوبتی و دمایی رویشگاه تغییر می‌کند.

اثرات غیر مستقیم آتش بستگی به تغییرات پوشش گیاهی دارد. یک آتش سوزی شدید ممکن است حیات تمام گیاهان روی سطح خاک را از بین ببرد. در چنین شرایطی تجدید حیات جنگل می‌تواند از طریق استقرار گونه‌های با بذور سبک که ممکن است از بیرون مناطق سوخته شده انتقال یابند انجام گردد. بهبودی جنگل ممکن است با جست زنی از پایه‌های باقیمانده، جوانه زنی بذور خفته، شاخه زنی ریشه‌های دارای مواد غذایی، گل دهی جوانه‌های نیمه شکوفا، و بالاخره انتقال بذور سبک درختان از سایر مناطق امکان پذیر باشد.»

با توجه به همین نکات علمی، یک یادآوری مهم به مسئولین ذیربط منطقه لازم به نظر می‌رسد:

آتش سوزی در جنگل‌های منطقه هر سال تکرار می‌شود؛ بنابراین و به منظور پیشگیری از رویدادهای اینچنینی، مدیریت استراتژیک آتش گزارش کاملی از چگونگی رویداد را منتشر و به اطلاع عموم برساند. این اقدام مسئولان ذیربط باید در کنار سایر عوامل اجرایی آنان قرار گیرد و شهروندان را در جریان کامل این حوادث قرار دهند تا با توجه به اطلاع رسانی عمومی، ضمن ارتقاء مسئولیت پذیری شهروندان، از آتش سوزی در سال‌های آتی جلوگیری به عمل آید.

نقش زنان در حفاظت از محیط زیست

ئاوات رشیدی، کارشناس مدیریت

عضو کانون سلامت ژین

حفاظت از محیط زیست، طبق اصل پنجاهم قانون اساسی یک وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از اقدامات لازم برای رسیدن به این مهم، آموزش و فرهنگ سازی آن بوده و ایجاد حس مسئولیت و وظیفه شناسی و تقویت آن به منظور جلب مشارکت همه ی اقشار جامعه، بدون حضور زنان مقدور نمی‌باشد. بدیهی است که با القای فرهنگ حفاظت از محیط زیست به زنان جامعه، میتوان این میراث با ارزش را به درستی به نسل‌های بعد انتقال داد. همچنین باتوجه به گستردگی عرصه‌های محیط زیست و تنوع مسائل و مشکلات موجود، امکان حفاظت و احیا و توسعه‌ی منابع طبیعی، تقسیم کار به تناسب میزان دانش و توانایی مختلف زنان هر منطقه میتواند بسیار مؤثر باشد. مثلاً زنان روستایی میتوانند در قالب نیروهای تولید کننده صنایع دستی با استفاده از مواد طبیعی قابل دسترس و نیز پرورش گیاهان دارویی محلی، مشغول به فعالیت شوند و بعضی از آنها میتوانند با به پای مردان در زمینه‌ی حاصلخیز کردن زمینها و جلوگیری از فرسایش خاک کوشا باشند. زنان میتوانند در مدیریت صحیح بهداشت محیط، خانواده، محله و مدیریت غذا، آب، ضایعات خانگی و انرژی مؤثر باشند. همچنین زنان با آموزش فرهنگ حفاظت از محیط زیست و القای فرهنگ صحیح مصرف به فرزندان خود، می‌توانند بر رفتار نسل بعد با طبیعت نقش بسزایی داشته باشند. با توجه به اهمیت موضوع، باید امکان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری، برنامه ریزی، مشاوره و خدمات مربوط به محیط زیست تا حد امکان فراهم شود تا آن‌ها با اعتماد به نفس بیشتری در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و حفاظت از محیط زیست، مشارکت نمایند. همانطور که اشاره شد یکی از راهکارهای اصلی در این زمینه، به مسأله آموزش مربوط میشود که بایستی از راههای گوناگون با ارائه‌ی آموزش‌های رسمی یا غیر رسمی از طریق مراکز دولتی یا NGO-ها، سطح آگاهی زنان ارتقا داده شود تا بتوانند به طور مستمر در امر توسعه و حفاظت از محیط زیست نقش چشمگیری داشته باشند.



سوختن منابع ملی و نابودی حیات وحش هورامان

محمد عرفان صالحی - پاره

چندسالی است حکایت آتش سوزی های مراتع و جنگل های منطقه در اوایل فصل تابستان حرف و حدیث های زیادی را به همراه دارد ولی نتیجه ای از این مباحث گرفته نشده، شاید که نتیجه ای عکس هم داشته است.

آتش سوزی های امسال از هرساله بیشتر و وسیع تر بود، در صورتی که باتوجه به آتش سوزی های چندسال اخیر، انتظار می رفت ادارات مربوطه برای پیشگیری از سوختن منابع ملی و حیات وحش منطقه برنامه هایی داشته باشند، اما نه تنها هیچ برنامه ای نداشتند که به هنگام بروز حادثه هم نتوانستند به خوبی آن را کنترل کنند. سوء مدیریت اینچنینی در دنیا بی سابقه است. ما در زمانی زندگی می کنیم که تمام تکنولوژی تحت تأثیر مسایل زیست محیطی به حیات خود ادامه می دهد و هر پیشرفتی با تأیید کارشناسان محیط زیست مقبول است. در عصری که بحث بر سر انرژی پاک مهم ترین و استراتژیک ترین معضل دولت هاست، در دیار ما اکوسیستم ها به راحتی و در کمال آرامش و بدون هیچ دردسری طعمه ی سوداگران و حریق و سایر تهدیدات زیست محیطی می شوند. هیچ تهدید زیست محیطی مسئولین حفظ منابع طبیعی و محیط زیست و حیات وحش در شهرستان پاره به واکنش وا نمی دارد. شاید در هیچ زمانی ادارات مذکور این چنین منفعل نبوده اند. حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی بدون داشتن برنامه و طرح امکان پذیر نیست. آتش سوزی یکی از بزرگترین تهدیدات زیست محیطی است، آتش سوزی های اخیر ضمن از بین بردن جنگل ها و مراتع منطقه، تعداد زیادی از جانوران این مناطق را نیز از بین برده و حیوانات بزرگ جثه تر را از محل سکونت شان متواری ساخته و همچنین اکوسیستم های کوچک و بزرگی را نابود کرده است.

در جنگل های بوزین و مرخیل یک گونه شوکای نادر زندگی می کند که تنها زیستگاه اش همین جنگل ها هستند، آتش سوزی های اخیر با از بین بردن شرایط مناسب زیستی، نسل این شوکای نادر را در معرض انقراض داده است. اینکه چه کسی این آتش سوزی ها را انجام می دهد در مرحله دوم اهمیت است، و اولویت اصلی نحوه ی برخورد با این مسئله است. ما برای پیشگیری از وقوع این حادثه چه تدابیری اندیشیده ایم؟ برای مهار بحران چه برنامه هایی داریم؟ در آتش سوزی های اخیر میزان خسارت وارده به محیط زیست خیلی بیشتر از منابع طبیعی بود، شوکای مرخیل (گیجه فیله) که گونه ای منحصر به فرد است با تکرار چنین آتش سوزی هایی در معرض نابودی قرار می گیرد، اما هیچ کس اثری از فعالیت های اداره ی محیط زیست پاره ندیده و نمی بیند، این در حالی است که شنیده ها حکایت از کم کاری این ارگان دارد، مثلاً اخیراً مبلغ یک میلیارد و پانصد میلیون ریال اعتبار برای اداره ی محیط زیست پاره در نظر گرفته شده که به دلیل نداشتن هیچ طرح و برنامه ای نتوانسته اند این اعتبار را جذب و هزینه نمایند، آیا براستی مسایل زیست محیطی مابدون مشکل است که اعتبار لازم ندارد؟! یا اینکه مسئولین اداره ی محیط زیست چشم خود را بر مشکلات زیست محیطی منطقه بسته و تنها به انجام امور روتین بسنده کرده اند.

اما منابع طبیعی دیگر ارگان مرتبط با این حوادث، اداره ای که برای

حفاظت از منابع طبیعی تاسیس شده ولی تنها کاری که نمی کند همین یک کار است. اداره ای که مردم باید گزارش تخریب و تصرف املاک را برایش بیاورند، چون آن ها بدلیل نداشتن فراغت نمی توانند سرکشی کنند؟ اداره ای که باید برای صیانت از منابع ملی گذشته از طرح و برنامه، گشت زنی های مداوم داشته باشد و در حفظ این منابع با یک چشم به همه نگاه کند. دوگانه برخورد کردن اداره ی منابع طبیعی با متصرفان این منابع بر همگان روشن است. به تاراج رفتن بیت المال و تحویل زمین های عمومی به افراد برای احداث تفرجگاه های شخصی و خصوصی که خود تخریب اکوسیستم های طبیعی منطقه و برهم زدن زنجیره های غذایی موجود و از بین بردن گونه ها به بهانه ی کاشتن گیلاس و آبیاری آن با آبی که حق آبی آن به حیوانات وحشی می رسد، اینها مواردی از کار و تلاش اداره ی حفاظت از منابع طبیعی است!!؟ اداره ای که اگر اینچنین به کار و تلاش اش ادامه دهد تا چند سال دیگر خودش را از شر منابع طبیعی و در دسر حفاظت از آنها خلاص می کند.

براستی نقش این ارگان ها در حفظ و توسعه ی محیط زیست و منابع طبیعی چیست؟ آیا وجود یک گونه ی منحصر به فرد جانوری در منطقه نمی تواند بهترین بستر برای برگزاری همایش هایی در خصوص شوکای مرخیل و شناساندن جنگل ها و منابع طبیعی منطقه به جهان باشد؟! چند نوع کارت پستال ها و پوستر از شوکای مرخیل (گیجه فیله) توسط محیط زیست برای شناساندن این حیوان زیبا، به چاپ رسیده اند؟ اداره ی منابع طبیعی غیر از اجاره دادن درختان جنگل های بوزین و مرخیل و کسب درآمد از این منابع ملی، چه طرح ها و برنامه هایی برای حفاظت از آنها داشته است؟ چگونه است که از یک تالاب کوچک در استان فارس یا مازندران و اردبیل و کویر لوت و... ساعت ها فیلم مستند تهیه و از شبکه های مختلف تلویزیون ملی پخش می شود ولی حتی یک عکس ۴×۳ از شوکای منحصر به فرد منطقه ای ما نه تنها از تلویزیون بلکه از یک روزنامه ی محلی هم پخش نمی شود. مسئولین ادارات محیط زیست و منابع طبیعی با اینکه خودشان هم برای تفریح به تفرجگاه های طبیعی منطقه از جمله ویمیر، سردره، بزگوری، مرخیل و بوزین و دالانی و... می روند هنوز حاضر نشده اند حتی یک تابلوی مزین به جملات آموزشی برای استفاده کنندگان از این تفرجگاه ها، نصب کنند.

تاکنون هیچکدام از ادارات مربوطه به مسایل زیست محیطی (منابع طبیعی، محیط زیست و حتی کشاورزی) نتوانسته اند یک پکیج آموزشی در اختیار عموم قرار دهند. شنیده ها حکایت از تلاش منابع طبیعی برای تغییر کاربری ۳ هکتار زمین در روستای دوریسان به کاربری مسکونی دارد، حافظ منابع طبیعی در پی تبدیل آنها به منزل مسکونی است!!؟ اینجاست که می گویند "هرچه بگنجد نمکش می زند وای به روزی که بگنجد نمک".

در پایان از مسوولین محترمی که در این نوشته مورد خطاب قرار گرفتند درخواست پاسخگویی داشته و به ایشان پیشنهاد می کنم تا با بهره گیری از کارشناسان منطقه گامی مثبت در راستای انجام وظایف ادارات مربوطه شان بردارند.

به امید روزی که حفاظت از حیات وحش برای ما دارای اهمیت بوده و به عنوان یک ضرورت به آن بنگریم.

تأملی کوتاه درباره ی زباله

ایوان کلیما

گزینش و تلخیص: مهدی سیدی

بر سر راهم از قطعه زمینی رد می شوم که صاحبی ندارد این زمین قبلاً باغ بود. روزی یک نفر لیوانی پلاستیکی آنجا انداخت. بعد یک نفر دیگر یک قوطی کنسرو و بعد دیگری سطل زباله اش را آنجا خالی کرد. چندی نگذشت که متوجه شدم که ناخودآگاه راه را کج می کنم و دیگر از آنجا نمی گذرم و از آن قطعه زمینی که دیگر زباله دانی شده پرهیز دارم.

من به زباله از این جهت علاقه دارم که یکی از معضلات زمانه ی ماست. اما زباله هم معضل زمانه ی ماست و هم استعاره ی آن.

ما در دوران تولید زیاده از حد زندگی می کنیم. درست از آن لحظه ای که چیزی تولید میشود تبدیل به زباله ای بالقوه میشود. البته همیشه چنین بوده است تفاوت فقط در کمیت و کیفیت چیزهایی است که تولید می شود.

آدم ها یک جفت کفش برای کار داشتند و اگر در فقر مطلق نبودند یک جفت دیگر برای رفتن به کلیسا. آدم ها با کفش هایشان انس و الفت پیدا می کردند و کفش ها چندین سال کار میکردند وقتی هم فرسوده و کهنه می شدند احتمالاً به این دلیل بود که تسلیم فساد و تباهی طبیعی شده بودند. اما امروز چه؟

ما مسرف هستیم خیلی زود خیلی بیشتر از آنکه چیزیها فرسوده و کهنه شوند از آنها دلزده می شویم و چیزها هم خیلی زودتر از سابق فرسوده و کهنه می شوند حتی وقتی که از آنها دلزده و خسته نشده ایم متوجه می شویم که در عرض چند ماه پس از آنکه آنها را خریده ایم از مد افتاده اند. چه چیزی می تواند ما را پیش از آنکه در زیر زباله ها مدفون شویم نجات دهد؟ مگر آدم ها توانایی مقاومت در برابر دیکتاتوری مد و سوسه و اغوای شکل ها و رنگ های درخشان تازه ی خوشگل را پیدا کنند و بار دیگر به دنبال کیفیت بروند.

آنچه در مورد چیزها صادق است در مورد عقل و روح بشری هم صادق است نیاکان ما در کنار کتاب مقدس فقط معدود کتاب هایی داشتند که نه فقط آنها را می خواندند بلکه آنها را به خاطر هم می سپردند. به مردم اطلاعات کمی داده می شد اما آنها فرصت بیشتری داشتند که به همانها فکر کنند و بسیاری با مرتب کردن این فکرها اعتقادی برای خودشان پیدا میکردند. اما امروز چه؟

ما همه در میان سیل اطلاعات و ایده هایی زندگی میکنیم که اکثرشان از همان لحظه ی تولید بدل به آشغال میشوند. مردم نه فقط تشنه ی چیزهای تازه هستند بلکه عطش دستیابی به اطلاعات را هم دارند. مردم این ایده ها را می خردند و بعد بی هیچ درنگی آنها را دور می ریزند و فراتر از آن بی هیچ تشخیص و تمیزی چیزهایی که آنها می خردند به نظر جذاب و بادوام می آید اما آن ها غالباً چیزهایی جز همان چیزهای قدیمی نیستند که جامه ی نو به نشان کرده اند. من با احساس خطر مردمی را نگاه می کنم که از میان باغی که زمانی عشقش را داشته اند می گذرند بی آنکه متوجه باشند که از میان گلهای نمی گذرند بلکه درحال گذر از میان زباله ها هستند. می بینم چگونه به جنبش های تازه می پیوندند و بعد چند ماهی که گذشت از آن جنبش جدا می شوند تا به جنبشی دیگر و تازه پیوندند که شعارهای تازه اما به همان اندازه توخالی به آنها عرضه می کند و با فریاد، شعارهایی در ستایش مردم فریبان سر می دهند و به اندیشه هایی می آویزند که سال هاست مرده اند و منسوخ شده اند اما آن ها را متقاعد می کنند که راه نجاتشان در همین است.

سیل زباله های مادی چیزی است که نباید آن را دست کم گرفت این زباله محیط طبیعی را تهدید می کنند و ممکن است آب و هوا را آلوده و مسموم کنند اما آشغال های فکری خطرناک تر هستند چون روح و جان را مسموم می کنند و انسانهاها با روح و جان مسموم می توانند دست به اعمالی بزنند که عواقبی بازگشت ناپذیر دارد.

“ژینگه پاریزی له گونده کانی ناوچهی مه‌ریوان” (۲۶)

ناساندنی ژبان و ژینگه‌ی گوندی کوره دهره

طلووع کهر جه نو، طلوع کهر جه نو

فیدای طه‌لعه‌تت، طلوع کهر جه نو

ههر کهس وه شیوه‌ی عیشقت په‌ی به‌رو

شینته‌ن جه عیشقت، لومه‌ی من که‌رو.

خالوی کوماسی

له دیر زه‌مانه‌وه، کورده‌واری مه‌کوی
عیشق و خو‌شه‌ویستی که‌م وینه‌بووه و
دلداران و نه‌وینداری نه‌م نیشتمانه
یه‌زدانیه، به‌دهر برینی هه‌ستی خاوی‌ن و
بی‌گه‌ردی خویان، له‌ریگای هونراوه و
به‌یت و حه‌یران و شیعی‌ری به‌سۆز، مۆرکی
وه‌فاداری و ئاره‌زووه دهروونی و پر
چیژه‌که‌یان چه‌سپاندووه. شو‌ره‌سوارانی
ناوچه‌ی کوماسیش، وه‌ک نه‌حمه‌د به‌گی
کوماسی و شیخ‌عه‌زیزی جانه‌وه‌ره، له‌م
مه‌یدانه‌دا، نه‌سپه‌شیی خویان تاو داوه و
بو‌هه‌تا هه‌تایه، وه‌ک نه‌ستیره‌گه‌شه‌ی
ناسمانی پر قرچه‌ی زیدی باو و
باپیرانمان دره‌وشاو‌هن. هه‌لکه‌وتوویی نه‌و
مرو‌فه‌به‌نرخانه، ده‌بنه‌شانازی بو‌نه
ناوچه‌ی که‌ په‌روه‌رده‌ی کردوون و
ئیستاش ئیمه‌ههر به‌و بیانوه‌وه یه‌کیکی
دی له‌گونده‌کانی ناوچه‌ی کوماسی که
بریک له‌دانشتوانی پیمان وایه، ته‌رمی
خالوی کوماسی له‌ویدا، واته “کوره‌دهره”،
نیژراوه و گلکوی نه‌و شو‌ره‌سواره‌ی لیسه،
له‌ریگای کاک به‌همه‌نی شابازیه‌وه،
ده‌ناسینین. با بزاین به‌همه‌ن شابازی
ژبان و ژینگه‌ی نه‌مرو‌ی کوره‌دهره‌مان
چون بی‌ده‌ناسینیت. “چیا”

اصطلاح جاده قرن بوقی اش، معروف و مشهور است. ده‌ها سال پیش برای سفر به‌سندج از نزدیکی منطقه کوماسی جاده‌ای ایجاد و بدون اغراق تا قبل از انقلاب، جاده‌ای شوسه‌ای و بسیار مناسب بود. اما متأسفانه، با تغییر جاده‌ی سندج - میروان به‌مسیر دیگر، نه‌تنها راه عبور، بلکه مردم منطقه کوماسی و بخشی از سرشیو و کلاترزان و سالال هم فراموش شدند. و ساکنان روستاهای این مناطق در عقب افتادگی فاحشی ننگه داشته شدند. با آگاهی از این موضوع که جاده به‌عنوان مهمترین عامل ارتباطی، چه نقش مهم و فوق‌العاده‌ای در پیشرفت زندگی مردم دارد، وجود کوره‌راه و خرابه‌ای به‌نام جاده برای عبور و مرور ده‌ها هزار نفر از مردمان شریف و زحمت کش منطقه کوماسی، میتواند فاجعه‌ی وحشتناکی باشد. به‌راستی بی‌تفاوتی مسئولان در سطح منطقه و استان و کشور نسبت به‌چنین موضوعی نشان‌گر چیست!!!



با یادآوری این بابت سرطانی، به‌معرفی موقعیت و وضعیت امروزی روستای کوره‌دهره، از روستاهای محروم کوماسی می‌پردازیم. کوره‌دهره از سرسبزترین روستاهای منطقه، با موقعیتی بسیار دلربا و زیبا در غرب راه فرعی “چه‌م کوماسی” واقع شده، که از غرب به روستای “ده‌ری”، از شمال به روستای “به‌ردی سپی”، از جنوب به “ه‌نگه‌ژاله” و از شرق به روستای “ه‌نینه‌ی خواروو” مرتبط می‌باشد. جمعیت کوره‌دهره، ۳۶۳ نفر و شامل ۷۰ خانوار است. در سالهای اخیر با بحران بیکاری جوانان و مشکل جاده و عقب افتادگی منطقه، مهاجرت بخش زیادی از روستائیان کوره‌دهره به‌شهر، روستا دچار افت جمعیت شده و از سویی دیگر سبب افزایش حاشیه‌نشینی شهر میروان گشته است. روستای کوره‌دهره دارای قدمت تاریخی صدها ساله و اقامتگاه شیرمردان و شیرزنان دلیر کرد، که آثاری از زندگی گذشتگان هم در اطراف

روستا یافت شده، نشانی از آن دوران دارد. همان‌گونه که اشاره شد، کوره‌دهره با پوشش جنگلی و مراتع و چشمه‌های فراوان از موقعیت برتری نسبت به‌دیگر دهات ناحیه برخوردار است. از چراگاههای معروف منطقه؛ “لوجه‌ران، حاجی حه‌سن، قژه، سوله، ته‌په‌بوره، تیژاو، قه‌لا سموران” و چشمه‌های مشهور آن؛ “کانی قژه، حه‌فت کانیان، کانی سوله، کانی به‌رده‌هاره، کانی حاجی حه‌سن، کانی ته‌په‌بوره، کانی تیژاو” می‌باشند. روستای کوره‌دهره از آب آشامیدنی بهداشتی و کافی برخوردار و از این بابت مشکلی ندارد. فاضلاب آبادی هم از خانه‌های روستایی با لوله‌پلیکا، به رودخانه جاری وسط روستا سرانجام می‌شود. هر چند رودخانه سرپوشیده نیست و در سطح روستا طرح‌های اجرا نگشته، اما با افزایش آگاهی مردم بویژه جوانان؛ بهداشت، تا اندازه زیادی رو به‌بهبودی گذاشته و از پراکندگی زباله‌های حیوانی و انسانی در سطح روستا جلوگیری به‌عمل آمده است. همچنین بهداشت فردی و خانواده؛ با ایجاد سرویس حمام، دستشویی، آشپزخانه در خانه‌های نوساز بهبود یافته است. کوره‌دهره از نظر امکانات دیگر زندگی امروزی؛ مانند برق، تلفن، مدرسه ابتدایی، گیرنده تلویزیونی و نیز مسجد بزرگ مشکل ندارد. اما نبود خانه بهداشت و امکانات درمانی و پزشکی، بخشی از معضلات کوره‌دهره است. سوخت رسانی (نفت) به‌این روستا سبب شده است که جنگلهای اطراف ده از بریدن و نابودی در امان باشد. همچنین وجود باغات گردو، آلوچه، زردالو، انگور و سیب؛ سبب رونق اقتصادی و پیشه‌ای روستا گشته است. البته مردم کوره‌دهره به‌دامداری و کشاورزی نیز اشتغال دارند. رفع مشکلات مردم منطقه کوماسی، بویژه مشکل اصلی آنها، یعنی جاده مناسب، و نیز ایجاد خانه بهداشت و امکانات ورزشی و فرهنگی و ...، سبب رونق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ده‌ها هزار ساکنان این منطقه گشته و بدون تردید مسئولان مدیریتی و اجرایی نباید بیش از این در ادامه محرومیت‌های این بخش از سرزمین میهن دخیل باشند.

“بهمن شه‌بازی”



"پوونگر دنه وهیه کی ره خه گرانه دهر باره ی وتاره که ی ئومید ره شیدی"

حه مه ی که ریمی

مه سه له ی ژینگه و ژینگه پاریزی به هۆی تیکۆنلۆژیای پیشکه وتووێی سه رده م پیدایهستی ولاتانی سه نه ته ی به که ره سه ته ی مه وادی سووته مه نی بۆ دابینه کردنی به ره مه مه یان و گه شه دان به ئه مرزو که ره سه ته گه لی نزامی و ... هتد بیگومان بۆ ته قهیرانیکی جیدی نیوده وه ته ی و به ده یان و سه دان کۆنفرانس بۆ چاره سه رکردنی ئه م مه سه له یه ته رخان کراوه، به لآم تا کوو ئیستا ئه و قهیرانه (قهیرانی ژینگه) له جیگای خۆیه ته ی به شیوه ی بنه په ته ی چاره سه ر نه کراوه، قهیرانی ژینگه وه ک ده بیین زیاتر له و ولاتانه دا ده بیته کیشه یه کی جیدی هه مه لایه نه که زۆرتین پیدایهستی کانیان له پێگای به ره مه مه یانی مه وادی سووته مه نی و دیکه ی ماده ژینگه پیسه که ره کان بۆ کارگه و کارخانه و ناوه نده به ره مه مه یانه ره کانی تر به کار ده بریت.

بیگومان کوردستان له و گۆی زه ویه دا ته نیا خاک و ولاتی که که مه ترین کارگه و کارخانه و ناوه نده ی به ره مه مه یانی تیدایه. که وابوو پاکبوون و سه لانه تبوونی ژینگه له م ولاته دا شتیکی ئاسایی و سروشتی دیته به رچاو. پێچه وانه که شی ده بیته پیسه کردن و له ناوبردنی ژینگه به نیسه ته ئه م نیشتمانه به شیوه ی ده سه کردو ئه نه سه ته و به بیانوی جۆراوجۆره وه.

وه کوو هه مووان ئاگادارین کوردستان به گشتی و به تایبه ته ی ده قهری مه ریوان و سه ولآو ده وره یه ر بۆ ماوه ی زیاتر له ٢٠ سال ده بیته ژینگه که ی له گه ل قهیرانیکی جیدی و کیشه یه کی قولدا به هۆی سووتانی چیا و دارستانه کانیه وه ده سه ته وه یه بووه.

به دیار که و ته و به رچه سه ته بوونه وه ی ئه و قهیرانه (سووتاندن) به تایبه ته له ئه مسالدا به پێچه یه کی سه رسامناوه ر زیاد ی کردوو به پێی به راوردی "ئه نجومه نی سه وزی چیا" که مه تر له ٢ مانگه ٢٩٥ جار ته نیا له ناوچه ی مه ریوان و سه ولآو دا ژینگه تووشی سووتاندن بووه، ئه مه جگه له ئاگرگه و ته وه کانی ئه م دواییانه ی سه قز، بانه، پیرانشارو دیکه ی شاره کانی تری کوردستانه. هه ره ئه مسال به پێکه و ته شاریکی کوردستان له گه ل سووتاندنی ژینگه دا به ره و پوو نه پۆته وه. ئه م حاله ته که له ئیستادا بووته قهیرانیکی جیدی هه مه لایه نه و زه یین و هزی زۆریه ی هه ره زۆری دانیش تووانی کوردستانی سه رقان کردوو، له خۆیدا هه لگری پلانیکی تاکتیکی دوژمنکارانه یه به نیسه ته ئه م ژینگه وه، ئه وه شه له و ماوه یه دا له لایه ن ژینگه پاریزیان و خه مخۆرانی ئه م نیشتمانه وه بینه راوه. پاراستن و پزگاره کردنی ژینگه بووه له ده سه ته ئه هه ریه نه یه کانی سووتینه رانی ئه م نیشتمانه به میتۆدی به رخۆدان و مه قاره مه ته. ده کهریت بلاین یه کێک له پێکاره کان بۆ پاراستنی ژینگه به رخۆدان و مه قاره مه ته بیته، به لآم به رخۆدان و مه قاره مه ته هه موو پێکارێک نیه و ته نیا پێکارێش نیه بتوانن قهیرانیکی جیدی ئه وتوی پێ چاره سه ر بکریته. میتۆدی به رخۆدان و مه قاره مه ته ده کهریت

وه کوو تاکتیکی گونجاو له به رانه به ر ئه ویترا کاری پێ بکریته، به لآم نابیت وه کوو ته نیا پێگای گونجاو بۆ ده ربازیوون له قهیران و ته نیا میتۆدێک بۆ چاره سه ری بنه په ته ی قهیرانه کان و هاوکات وه کوو میتۆدێکی ستراتێژ چاوی ل بکری. ته نیا پرسپاریک له قهیرانی سووتاندنی ژینگه دا بۆ تاکی کۆمه ل دیته ئاراوه ئه و وه سه رنچا کیشه یه که ئومید ره شیدی له وتاره که یه دا ئاماژه ی پێ دده ته به لآم من وه کوو پرسپاریک لیره دا به رچه سه ته ی ده که مه وه، {ئه م دیارده یه بۆچی تا کوو ئیستا نه بووه ته گوتاری زالی کۆمه لگا به جۆریک نه هه مووان قسه ی له سه ر بکه ن، به لکو هه مووان له ئاست ئه م قهیرانه دا خۆیان به به رپرس بزانه و هه ولی چاره سه رکردنی بنه په ته ی بۆ بده ن؟}

من وه کوو به رده نگێکی ئه م پرسپاره و هاوکات سوپژه یه کی ئاخۆ ره یش پێم وایه تا کوو ئیستا خۆیندنه وه یه کی قولی فه لسه فی و زانستی بۆ ئه مه سه له یه نه کراوه له ناوه نده زانستی و کولتوریه کانه دا، به ناوه ندو پێخراوه مه ده نیه کانی شه وه نه خراوته به ریاس و لیکۆلینه وه ئه وه ی تا کوو ئیستا کراوه له دروشم و راگه یاندنی بازاریانه زیاتر شتیکی تر نه بووه. جگه له مه شه کۆمه لگه و تاکی کۆمه ل تا کوو ئیستا هه سه ته ی به قهیرانیکی جیدی له و بابه ته نه کردوو و پێی وایه ئه مه شتیکی ساکارو پووکه شه و به دلناییه وه له زیانه قه ره بوو نه کراوه کانی ئه و قهیرانه له داها تووا له پوو ی مادی و مه عنه وه یه و ئاگادار نیه. ئه مه شه ته نیا به سازدان و پێکسه تنی ده یان کۆپو کۆبوونه وه له ناوه نده کولتوری و زانسته یه کانه دا ده کهریت، له لایه کی تروه به وروژاندنی ئه م پرسه له پێگای میدیا کانه وه له ئاستیکی جیهانیدا، تا کوو ئه م قهیرانه له حاله تی لۆکالیبوون و هیشته وه ی به نیمچه لۆکالیبوون ده رباز نه بیته تیکه ل به فه زایه کی جیهانی نه بیته، نه ده بی به پۆژه فی باسو نه ده بی به گوتاری زالی کۆمه لگه شه. پێم وایه ئه مه به رسقی خراپ نه بیته بۆ ئه و پرسپاره ی که بۆچی (ئه م دیارده قهیرانایه نه بووه ته هۆی بێزاری و تووره یی خه لک). به پێچه وانه ی ئومید ره شیدی من ئه م بیه لۆیستی و بیده نگیه گری ناده مه وه به تیگه یشتنی مۆرالی و دینی و فه لسه فی تاکی کۆمه لگاوه، ئه م بیه لۆیستی یه کۆمه لگا له ئاست ئه م قهیرانه دا ده به سه مه وه به نه خۆیندنه وه یه کی قولی زانستی و فه لسه فی له م دیارده یه و هاوکات هه ولنه دان بۆ به پۆژکردنی ئه و دیارده له کۆمه لگه دا (به شیوه میدیا یه که ی)، له به ر ئه وه ی ئیمه تا کوو قهیرانه کانه مان باش نه ناسینه و خۆیندنه وه ی وردمان له سه ر نه بیته زه حمه ته بتوانن هه روا به ئاسانی چاره سه ریان بکه یین و جها وه ری بۆ ئاماده بکه یین. ئه گه ر ئیمه له بیر چاره سه رکردنی بنه په تیدا بین وه کوو کاک ئومید ده لی نابیت میتۆدی هیرشه رانه بکه یین دروا بوو.

به ئالترناتیفی لایه نی که موکوری خۆمان و پیمان و ابیت ئه م بیه لۆیستی و بیده نگیه ته نیا نیشانه ی ره زامه ندیه، ئه مه له کاتیگه دا ده گونجیت له لایه ک هه موو پێکارێکی گونجاو بۆ چاره سه رکردنی بنه په ته ی قهیرانی ژینگه ئه نجام بدری و له لایه کی تروه له باری نیۆری و زانسته یه وه کۆمه لگه شه له مه ترسیی ئه و قهیرانه ئاگادار کرابیته وه و هه سه ته به مه ترسیی تراژیدی بکات له ژیا نیدا و کیشه کان پووکه شه یانه نه بی نیت.

قهیرانی ژینگه په یوه نده ی هه یه له گه ل ژیا نی مادی و مه عنه وی ته وای کۆمه لگه دا وه بی هه ر تاکتیکی کۆمه ل هه سه ته بو و مه ترسیه بکات، ئه مه ته نیا کیشه ی لایه نیک و ئه نجومه نی و چه ند که سیکی تایبه ته نیه، بیگومان وه کوو ئاگادارین له م ماوه یه دا ئه گه ر نه لیم ته وای زۆریه ی هه ره زۆری ئه ره که کان بۆ به ره سه سترکردن و که مکردنه وه ی ئه و قهیرانه (سووتاندن) به ئه سه ته ی ئه نجومه نی سه وزی چیا و ئه ندامانی ئه و ئه نجومه نه و له ده ره وه شه که سانی خه مخۆر و دلسو زانی ئه م نیشتمانه بووه. پێم وانه بیته هیه ک سه و لایه نیک له دلسو زانی و خه مخۆری و ژینگه دۆستی ئه و چالا کانه گومانی هه بیته، به لآم ئیمه نابیت میتۆدی هیرشه رانه و پۆلینه ندی کۆمه لگا به قاره مان و ترسنۆک یان فریشته ی خیر و شه ر بکه یین به ئالترناتیفی لایه نی که موکورتی خۆمان و پیمان و ابیت ئه م بیه لۆیستی و بیده نگیه ته نیا نیشانه ی ره زامه ندیه.

به درژیایی میژوو هیه ک کۆمه لگایه ک نه بووه له ئاست قهیرانه جیدی کانی خۆیدا بیده نگ بیه و هیه ک په رچه کرداریک له به رانه ر ئه م قهیرانه دا نه نوینیت، یان به ره له سته کار بووه یان مه قاره م بووه و به رگری کردوو له ده سه که وه مادی و مه عنه وه یه کانی. ئه مه به پێی زانستی سروشتی شتیکی ئاسایی و سروشتیه له گه ل ئه وه ی که پێی ده گوتیت مرو ف بۆ به رگری له ده سه که وه مادی و مه عنه وه یه کانی له گه ل ئه ویتر به جه نگ دیت، ئه وه لایه نی که موکورتی ئیمه یه واده کات کۆمه لگا هه سه ته و قهیرانه نه کات و له واقیعه دا هه سه ته به مه ترسیی تراژیدی له ژیا ندا نه کات و شته کان پووکه شه یانه بی نیت.

کاک ئومید گوته نی با هه موومان له بیر چاره سه رکردنی بنه په ته ی قهیرانی ژینگه دا بین.

وه کوو ئاماژه م پێ دا تا کوو ئیستا ئه وه ی کراوه ته نیا له قه واره ی دروشم و راگه یاندنیکی بازاریانه زیاتر نه بووه، به شیوه یه کی تۆکه و تایبه ته به میتۆدی زانستی و فه لسه فی ئه م مه سه له یه نه خۆیندرا وه ته وه و له گه ل که سایه ته یه پسپۆر له ئه نجومه ن و ناوه نده کولتوریه کانی شیدا نه خراوته به ر باسو و لیکۆلینه وه یه کی جیدی.

* ئومید ره شیدی له ژماره ٤٦ ی چادا، وتاره که ی له چاپ دروا بوو.



وظایف شهروندی بازاریان بانه و مریوان!

محمد شعبانی*

شهرهای **بانه** و **مریوان** هر دو کارکرد مرزی دارند و از نظر وجود کالاهای خارجی در بازارهای هر دو شهر تفاوت زیادی به چشم نمیخورد. از نظر زیباییهای طبیعی و جذابیتهای گردشگری، گرچه تشابهاتی وجود دارد اما شهرستان مریوان به دلیل وجود دریاچه زیبای «زریبار» از جذابیت بیشتری برخوردار است.

بنده یکی از مریوانی‌های مقیم تهران هستیم. همواره تلاش کرده‌ام و تبلیغ کرده‌ام که پایتخت نشینان و هموطنان ایرانی را برای گردش و تفریح و خریدهای خود به سوی کردستان فراخوانم و طبیعتاً در این میان، بیشتر آنان را به سفر به شهر خودم (مریوان) تشویق نموده و از جاذبه‌های آن گفته‌ام. ولی در اینجا باید اعتراف کنم که نود (۹۰) درصد کسانی که با آنها هم صحبت شده‌ام از شهر **بانه** و وضعیت خوب بازار آن تعریف کرده‌اند و تنها افراد اندکی خواهان سفر به شهرستان مریوان بوده‌اند. این امر از یک طرف مایه تأسف اینجانب به عنوان یک شهروند مریوانی بوده و از سوی دیگر به عنوان یک کُرد همواره به شهروندان و بازاریان بانه‌ای افتخار کرده‌ام.

همشهریان عزیز! وضعیت نظم و نظافت در شهرهای مریوان و بانه رضایت بخش و مطلوب مسافران و در شأن شما ساکنان شهر نمی باشد.

ما باید **وظایف شهروندی** خود را به درستی انجام داده و شهرداری‌ها را در خدمتگزاری بیشتر کمک کنیم؛ **شهرداری‌ها** نیز باید بدانند که خدمتگزاری آنان هیچ ارتباطی با همکاری یا عدم همکاری شهروند ندارد و شهرداری‌ها باید فارغ از عملکرد شهروندان به وظایف خود عمل نمایند. به به و چه چه گفتن افراد عادی و غیرمتخصص نباید مایه غرور شهرداران و سایر مسئولان مسائل شهری شود بلکه لازم است در انجام امورات شهری از مشاوره شوراها و افراد متخصص استفاده نموده و در انجام وظایف خود اصول شهرسازی علمی را رعایت نمایند.

در این شهرها رانندگان عزیز ما رعایت حال شهروندان و مسافران را به نحو احسن نمی کنند و نوعی آشفتگی در شهرهای مرزی به چشم می خورد که پایداری این وضعیت به نفع هیچ شهروندی نیست. در خانواده و بستگان هر کدام از ما ممکن است جوانانی باشند که ماشین وسیله کار آنان است. خانواده باید به آنان بیاموزد که اتومبیل وسیله انجام کار است و انسان با ادب و با شخصیت وسیله کار و

ماشین خود را وسیله اذیت و آزار شهروندان قرار نمیدهد. **ادارات راهنمایی و رانندگی** نیز حتماً به دور از افراط و تفریط با رانندگان خاطی برخورد قانونی خواهند نمود تا همراه با دیگر شهرهای ایران روح قانون رانندگی که یک قانون بین المللی است در این شهرها حاکم شود.

عزیزان من! شهرها اگر نظم و نظافت و پاکیزگی داشته باشند؛ اگر شهروند خوب و مؤدب و آگاه داشته باشند، اگر هتل و محل استراحت و رستوران‌های پاکیزه داشته باشند، خود مسافران را فرامی‌خوانند و آسایش و آرامش و رفاه را به شهروندانش هدیه می‌دهند. مسافر، جایی که حقوقش نادیده گرفته شود و محلی برای استراحت و خوراکی تمیز و بهداشتی برای خوردن نداشته باشد را برای سفرهای بعدی انتخاب نخواهد کرد و در آن صورت تنها شهروندان ما ضررمند خواهند بود. بیابید دست در دست هم در جهت آبادانی شهر خود بکوشیم؛ **پولدارها و سرمایه داران خوب** و آنانی که خواهان سرمایه‌گذاری و خدمت به همشهریان خود هستند را گرامی بداریم و آنها را به ماندن در شهرهایمان برای خدمت بیشتر دلگرمی بدهیم.

طبق روایت مسافران، بازار در شهر بانه از وضعیت مطلوبی برخوردار می باشد و تحقیقات نشان می دهد که قیمت هر کالایی در سراسر شهر اختلاف آنچنانی ندارد. برعکس با تأسف باید گفت که در شهر مریوان اختلاف قیمت در برخی موارد بسیار بوده است. تفاوت در وضعیت این دو بازار را در ایام تعطیلات و فصل مسافرت از **تعداد مسافران وارده** به هر کدام از این شهرها میتوان فهمید، طوریکه در سه سال گذشته شهر بانه همواره بیشترین تعداد مسافران را پذیرا بوده است.

بسیار ضروری است که شهروندان عزیز و خصوصاً بازاریان مریوانی در اسرع وقت **اتحادیه‌های صنفی** خود را فعال نموده و از طریق انتخاب افراد سالم و صالح و قابل اعتماد در اتحادیه‌های صنفی، افراد سود جوی بی وجدان و مغازه داران غیرمنصف که باعث بدنامی مردم خوب مریوان شده‌اند را شناسایی و با آنها برخورد قانونی نموده و به مردم معرفی نمایند. کارمندان اتحادیه های صنفی این را بدانند که اگر در خدمت بازار و نظم دادن به بازار نباشند شغل خود را از دست خواهند داد؛ زیرا که آنان نماینده بازاریان هستند.

هر کدام از شما شهروندان عزیز و محترم! ممکن است

برای خود کار و کسابتی داشته باشید و تنها به درستی کار خود و به منفعت و سود خود که بسیار منطقی هم هست، فکر نکنید اما این را هم بدانید که درستی کار شما و انصاف، انسانیت و دیانت شما در انجام معاملات تجاربتان باعث شده است تا من نوعی به عنوان یک کُرد و یک هموطن در صدها کیلومتر آن طرف تر (تهران) به وجود همشهریان و همزبانانی مثل شما افتخار کرده و بر خود بیالم. بنابراین **این شما هستید که به عنوان یک بازاری منصف و با وجدان کاری انجام داده‌اید که بزرگتر و با ارزشتر از کار صدها شخص باسواد و تحصیل کرده بی عمل است.** شما در عمل ثابت کرده‌اید که **آدم‌های خوب و با وجدانی هستید و علاوه بر سود خود، منفعت و پیشرفت شهرتان را هم در نظر دارید.** بنابراین زندگی با شما، در کنار شما و در شهر شما برای هر انسانی **مطلوب و خوشایند خواهد بود.**

بیان این واقعیات صرفاً در راستای عمل به **وظیفه شهروندی** است تا انشا... برای مردمان ساکن در هر دو شهرستان بانه و مریوان مایه اثرات مثبت باشد. **بانه‌ای‌ها** به نقاط **قوت خود** که **همانا صداقت در معاملات و تجارت می باشد، واقف باشند و آنرا بیشتر تقویت کنند و ضعف های خود را پوشش دهند.** مریوانی‌ها هم، **نقاط ضعف خود را بیابند و در راه اصلاح آن‌ها بکوشند و رمز موفقیت بانه‌ای‌ها را یاد گرفته و در عمل به کار گیرند.**

انشا... اهالی هر دو منطقه در یک رقابت سالم برای بهتر بودن، برای انسانی‌تر برخورد کردن، برای تجارتی منصفانه و به دست آوردن روزی حلال و پایدار و خداپسندانه رقابت کرده و مانند همیشه ی تاریخ به **هموطنان خود در سایر نقاط ایران** نشان بدیم که **ما قابل اعتماد هستیم** و آن‌ها می‌توانند بدون کوچکترین واهمه‌ای برای خرید و استراحت و ایرانگردی به کردستان بیایند. از این طریق ما قادر خواهیم بود سرمایه‌های آنان را برای آبادانی شهرها و ساکنان محروم خودمان جذب کنیم.

*کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری



Kurdî - Farsî

Taybetnamey xeberî-jîngeyî Çiya - Safî dûhem - Jimarey 47 - xermanan - 2710

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: انجمن سبز چیا

زیر نظر شورای سرد بیری

چیا در ویرایش مطالب تا آنجا به اصل مطلب خدشه وارد نشود آزاد است.

مطالب چاپ شده الزاماً نظر گردانندگان نمی باشد.

مطالب خود را به صورت تایپ شده همراه با فایل آن ارسال فرمایید.

آدرس: مریوان - جنب میدان میوه و تره بار - تلفکس: ۰۸۷۵۳۲۵۰۹۷۲

http://www.chya.org

Email: green.chya@gmail.com

تنها جنگل نیست که می سوزد

برهان اختر

قسمت دوم و پایانی

افرادی که به رعایت قوانین بی میلند، هرچند که ممکن است به ظاهر ناهنجار نباشند اما باید به هر نحوی و بر اساس ضوابط و مقرراتی تحت کنترل قرار گیرند. مثال عینی این موضوع در عدم مقررات راهنمایی و رانندگی و عبور از چراغ قرمزی است که در وقت شب و یا روز از دید پلیس پنهان باشند و یا در شهری! که شهروندان آن، خیابان‌های عبور یک طرفه را بعد از اذان مغرب تا صبح به عبور دو طرفه تبدیل می کنند!! و مثلهایی فراوان و باور نکردنی در جوامع متمدن! نظیر این مثال که مثال زدنی هستند. این افراد به ظاهر سالم، اما از دیدگاه روانشناختی و روانکاوای دارای مشکلات روحی و درونی کم و بیش فراوانند، که حداقل کم مسئول و کمتر مسئولیت پذیرند و همین افراد هستند که بسیاری از قوانین مدنی را زیر پا گذاشته و حتی به طبیعت اطراف خود رحم روا نمی دارند و در هر فرصتی یا آنرا تخریب میکنند و یا آنرا میسوزانند. گلاسرمی گوید: انسان بیمار، آن کسی نیست که مبتلا به سرطان باشد و یا یکی از اعضای بدنش بدلیل یک بیماری جسمی دچار نقص شده باشد، انسان بیمار آن کسی است که در برابر جامعه و قوانین پیش رو مسئول نباشد!

بنابراین تعریف، سوزاندن و تخریب جنگلها و نابود کردن منابع طبیعی و عبور از شماری دیگر از قوانین کوچک و بزرگ شهری و حتی به نظر پیش پا افتاده، مانند ریختن زباله در طبیعت و کوجه و خیابان، مصرف بی رویه آب و هدر دادن این سرمایه عظیم طبیعت و دهها و هزاران مسائل ریز و درشت که نیاز به تعقل و اندیشه دارند، حس مسئولیت را در انسان متفکر و اندیشمند و مسئولیت پذیر زنده خواهد کرد. در غیر اینصورت افرادی که این قوانین را زیر پا بگذارند و دست به چنین کارهایی بزنند نه تنها هیچ مسئولیتی در قبال خود و جامعه ندارند، بلکه این افراد بیمار بوده و در جامعه‌ی مسئول! باید تحت نظر قرار گرفته و در صورت امکان بستری و یا بطور سرپایی درمان گردند!! آیا این تنها جنگل است که می سوزد و خاکستر می شود؟ راستی مسئول این مرگ تدریجی کیست؟

“بال شکاوان چی ده‌کهن!”

وهک مه‌لیکی لانه‌واز، پیم و نه‌بوو قهت پی‌وه بم پیوه بوون ئاسانه نه‌مما، کوپوه چم، گهر لی‌وه بم؟
 چه‌مه‌تی باخی هه‌ناری پی‌که‌نینی گرتمی بی به‌ری نابم نه‌گهر هه‌ر له‌و بنار و کی‌وه بم هه‌ل‌فرین ئاکاری رابردووی منه، ئیستئ به‌لام بال شکاوان چی ده‌کهن، نه‌منیش ده‌بی به‌و شیوه بم چاره‌یه‌کم بو‌نه‌ما ئیلا له بو زامی دلم چاوه‌پیی چاری له هه‌توانی ده‌می نه‌و سی‌وه بم تامی هه‌نجیر، چه‌شنی زنجیره، له من ئالاه دی هه‌ر ده‌بی ئاویزی به‌رده‌م نه‌و چه‌ناگه و لی‌وه بم تا له مه‌یخانه‌ی نیگایدا، ئابرووم به‌ر با نه‌چوو پیم نه‌زانی چونه‌گهر مه‌ستی تری نه‌و می‌وه بم چی ته‌قه‌لای بی وچانم دا که پیم نه‌یژی ئه‌سییر دوا قهراری په‌نجه‌کانی بوو، ده‌بی به‌و نی‌وه بم سه‌ر له به‌ر، ئاسوی وشه‌م، ره‌نگی به‌نه‌وشی گرتبوو پیی وتم یا چه‌شنی شه‌و! یا وه‌ک که‌وه‌ی کازیوه بم هه‌رچی ره‌نگم بوو هه‌مووی، لیم هه‌ل‌وه‌رین، زه‌ردیی نه‌بی شو‌رشی ره‌نگم، بلئی بشکیته‌ری چوار چیوه بم؟



شماره تماس: ۰۹۳۶۶۴۵۹۱۰۵

- در هیچ نقطه‌ای از جهان میدانی سراغ نداریم که دور زدن آن ممنوع باشد و قسمتی از آن مسدود شده باشد. اما در شهر مریوان در میدان سرباز، این اتفاق عجیب رخ داده است. از راهنمایی و رانندگی مریوان در خواست رفع این معضل را داریم. صالحی

- از طرف اهالی کال سفلی از اعضای انجمن سبز چیا متشکریم که به فکر جنگلها هستند.

- از شهرداری محترم سروآباد می خواهیم نسبت به جمع آوری زباله های تفریحگاه منطقه هورامان، که همشهریان محترم یادشان رفته بعد از گذراندن یک روز خوب با خود ببرند، اقدام نماید.

یک شهروند

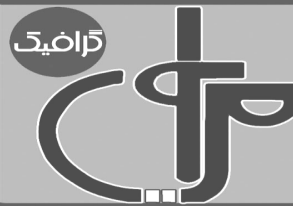
- چرا باید در شهری مثل مریوان حدود ۶۰ درصد مردم از نعمت گاز برخوردار باشند ولی ۴۰ درصد باقی مانده از این نعمت بی بهره باشند. فرید کریمی

- از شهرداری محترم مریوان به دلیل استقرار سطل زباله های بزرگ در محله های شهر سپاسگزاریم. داستوار

- شهرداری بخشی از کوچه های محله سازمان آب را شخم زده است. از شهرداری خواهیم که وضعیت رابرسی و مشکل را رفع نماید. یک شهروند ساکن محله

- از ادارات مرتبط خواهیمدیم که اطراف تالاب زیربار را بیشتر کنترل کنند تا افراد ناآگاه و سود جو اقدام به ریختن نخاله‌های ساختمانی و ساخت و ساز غیر مجاز نکنند. یک شهروند

اگر میخواهید زمان را از دست ندهید سری به ما بزنید



کانون تبلیغاتی مریوان گراژیک

(مشاوره / طراحی / چاپ)

قبول کلیه سفارشات : کارت ویزیت . آرم . لوگو . گرافیک محیطی . فولدر های اداری

آدرس: خیابان جمهوری پاساژ شهرداری طبقه فوقانی پلاک ۲۷

tell: ۰۸۷۵_۳۲۴۴۵۸۲